



شماره روزنامه ۳۸۳۳

ضمیمه روزنامه شهرآرا

شماره ضمیمه محله ۶۵۷

شنبه ۱۰ مرداد ۱۴۰۵

محله ۱ و ۲

برای پیوستن به کانال شهرآرا محله منطقه ۱ و ۲ کد رویه رو را اسکن کنید

مهرآرا Mashhad.chehreh — Mashhadchehreh.ir



محمدصادق نصرتی، مربی کشتی بچه‌های توس
روی تشک، درس زندگی می‌دهد

۵۴

اول پهلوان بعد قهرمان



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

بچه محل بولوار رضا
خاطرات کوچه‌های کودکی را مرور می‌کند
روزنامه‌خوانی در سلمانی محله

۶



نمازگزاران مسجد ابوالفضل و اهالی محله جانباز
از پیاده‌رو ناهموار گلایه دارند
سختی هر قدم تا رسیدن به مسجد

کتابخانه مسجد قبا، با یک ابتکار
آثار پرتیراژ را به دست مخاطبان رساند
نمایشگاه کتاب در دل محله فلسطین

۷



● ○ ایستگاه‌های خالی از دوچرخه!

مهرداد حاتمی که با مترو خود را به میدان فلسطین رسانده است، میان ایستگاه‌های خالی به دنبال یک دوچرخه سالم می‌گردد. او می‌گوید: اغلب اوقات جایگاه‌ها خالی است و همین موضوع باعث می‌شود در ترافیک صبحگاهی دیر به محل کارم در خیام برسیم. مهرداد دوچرخه‌ای را نشانمان می‌دهد که زین آن با دست بالا و پایین می‌شود و می‌گوید: ببینید! انگار زین را همین طوری و بدون رعایت ارتفاع استاندارد گذاشته‌اند. از سرنا چاری سواری شویم، اما این صندلی‌های شکسته واقعاً آسیب‌زا هستند. رضا محسنی، از کسبه قدیمی خیابان سناباد، معتقد است ایده دوچرخه‌های اشتراکی برای معابری که ترافیک آن زیاد است و جای پارک خودرو ندارند، عالی است، اما به شرطی که استانداردهای فنی رعایت شود.

● ○ شهروندان گزارش دهند

برای پیگیری این گلایه‌ها سراغ مدیر روابط عمومی شرکت توسعه ارتباطات ترافیکی رفتیم. علی کامیاراد ضمن اشاره به اینکه تعمیرات فنی دوچرخه‌های باید و به صورت دوره‌ای انجام می‌شود، بخشی از مشکل را متوجه نگهداری نامناسب می‌داند و توضیح می‌دهد: گاهی شاهد آسیب‌های عمدی به دوچرخه‌ها هستیم و این موضوع سبب می‌شود آن‌ها زودتر از موعد مورد نظر کارشناسان خراب شود. سیستم باید و به گونه‌ای است که تا شهروندی، خرابی را از طریق نرم افزار «شهر من» اطلاع ندهد، تیم‌های فنی متوجه مورد خاص آن ایستگاه نمی‌شوند؛ از مردم می‌خواهیم خرابی‌ها را حتماً در سامانه ثبت کنند تا موردی به تعمیر دوچرخه‌ها رسیدگی شود. او درباره کمبود دوچرخه در ساعات شلوغ می‌گوید: تعداد دوچرخه‌ها در ایستگاه‌ها تعریف شده، اما در ساعات شلوغی، تقاضا بسیار زیاد است. اگر این نیاز در محدوده خاصی همیشگی است، مردم می‌توانند درخواست خود را از طریق سامانه ۱۳۷ یا شماره ۳۱۲۹۸۰۰۰ مطرح کنند تا این موضوع پیگیری شود.

سیستم باید و به گونه‌ای است که تا شهروندی، خرابی را از طریق نرم افزار «شهر من» اطلاع ندهد، تیم‌های فنی متوجه مورد خاص آن ایستگاه نمی‌شوند؛ از مردم می‌خواهیم خرابی‌ها را حتماً در سامانه ثبت کنند

● ○ بلای جان یا آسایش در تردد

رضارنجبر یکی از شهروندانی است که هر روز ساعت ۷ صبح، خودرو شخصی‌اش را در یکی از کوچه‌های خیابان سناباد پارک می‌کند تا با دوچرخه به قرارهای کاری‌اش در خیابان ابن سینا، بولوار سجاده و خیام برسد. او که از وضعیت فنی دوچرخه‌ها گلایه مند است، خاطره تلخی از شنبه هفته گذشته دارد و می‌گوید: نزدیک بود زیر چرخ‌های یک ماشین بروم. با اطمینان به ترمزهای دوچرخه رکاب می‌زدم، اما وقتی می‌خواستم دوچرخه را نگه دارم، ترمز عمل نکرد. شانس آوردم که راننده مقابل متوجه شد و زودتر ترمز گرفت. وگرنه معلوم نبود چه بلایی سرم می‌آمد. آقارضا در حالی که به زین شکسته دوچرخه باید و اشاره می‌کند، می‌گوید: صندلی‌های خراب و غیراستاندارد با گذشت زمان، مشکلاتی برای شهروندان ایجاد می‌کند.

اهالی محله راهنمایی از وضعیت فنی بدون استاندارد دوچرخه‌های باید و می‌گویند

رکاب زدن روی لبه خطر

صفائی | برای فرار از ترافیک خیابان‌های منطقه یک مانند فلسطین، سناباد، ابن سینا، چه راهی بهتر از رکاب زدن با دوچرخه‌های سبز رنگ «بایدو»؟

اما به گفته برخی از شهروندان که از این دوچرخه‌ها استفاده می‌کنند، این روزها اگر سراغ این دوچرخه‌ها بروید، شاید به جای یک سواری لذت بخش، دوچرخه‌هایی با زین‌های سست، ترمزهای بریده و صندلی‌های شکسته را ببینید که بیش از آنکه تسهیلگر تردد باشند، سلامت شما را به خطر می‌اندازند. این گزارش به درخواست تعدادی از شهروندان دغدغه مند محله راهنمایی تهیه شده است تا صدایی برای رفع مشکل آن‌ها باشد.

هم قدم

۱

چالش ناهمواری‌های آسفالت در منطقه یک

صفائی | شهردار منطقه یک به همراه معاون فنی و اجرایی و معاون فرهنگی و اجتماعی و رؤسای ادارات منطقه، در تاریخ یکم مرداد، در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ حضور یافت و بدون واسطه به ۱۱ تماس تلفنی شهروندان پاسخ داد.

۱۳۷

۱

حوزه فنی و عمران

بیشترین درخواست‌ها به این حوزه اختصاص داشت و در مجموع ۶ مورد ثبت شد. این درخواست‌ها شامل مرمت پیاده‌روهای ناهموار حفاصل شهید صادقی ۱۷ و ۱۹، اصلاح شیب معابر پس از روکش آسفالت مجدد برای جلوگیری از ماندگاری آب باران در بن‌بست رضای ۳۳ و دستغیب ۶، اجرای روکش آسفالت در معابر میلاد ۴ و ۶ و بنفشه ۱۶ و ۱۸، و مرمت نشست آسفالت در اسفندیانی یک بود.

حوزه شهرسازی

یک درخواست در این حوزه ثبت شد که مربوط به ساخت و ساز غیرمجاز و درخواست صدور اخطار به مالک بود.

حوزه خدمات شهری

در این حوزه ۲ درخواست و یک پیام تقدیر و تشکر هم ثبت شد. شهروندان از جمع‌آوری سرویس بهداشتی داخل بوستان کاج و مشکل رفت و روب در کوچه آیتا... شهید رئیس‌ی ۲ گلایه داشتند. شهروندی از رفت و روب در معابر محله سجاده تشکر کرد.

حوزه حمل و نقل و ترافیک

در حوزه ترافیک یک درخواست مطرح شد که به نصب مانع در پیاده‌رو برای جلوگیری از تردد خودروها به داخل پیاده‌رو حفاصل دستغیب ۱۵ و ۱۷ مربوط بود.

شهردار محله پیگیری می‌کند

شهردار محله در روزهای آینده، مشکل نشست آسفالت در اسفندیانی یک، اختلاف سطح معبر بن‌بست در رضای ۳۳ پس از اجرای روکش آسفالت و تجمع آب، گلایه مردم از پارک ماشین در پیاده‌رو حفاصل دستغیب ۱۵ و ۱۷ و همچنین وضعیت رفت و روب کوچه آیتا... رئیس‌ی ۲ را پیگیری خواهد کرد.



نمازگزاران مسجد ابوالفضل و اهالی محله جانباز از پیاده‌رو ناهموار گلایه دارند

سختی هر قدم تا رسیدن به مسجد



صدرا صدای اذان که بلند می شود، مسیر بسیاری از اهالی محله جانباز به مسجد ابوالفضل ختم می شود. بعضی ها برای نماز جماعت می آیند، بعضی برای کلاس های فرهنگی، جلسات قرآنی یا برنامه های جهادی. اما درست چند قدم مانده به ورودی مسجد، قدم ها آهسته تر می شوند و نگاه ها به زمین دوخته می شود تا مبادا پادر چاله ای فرو برود یا روی آسفالت ناهموار بلغزد. پیام ها و عکس های اعضای شورای اجتماعی محله و نمازگزاران، ما را به اینجا کشاند تا از نزدیک ببینیم چرا پیاده‌رو مقابل یکی از پررفت و آمدترین مراکز محله، هنوز بهسازی نشده است؟

● نامه بی پاسخ اهالی

بارسیدن به ورودی مسجد، درست از ابتدای پایگاه بسیج شهید مهدی نیا، دلیل نگرانی نمازگزاران به خوبی دیده می شود. آسفالت در چند نقطه نشست کرده، بخش هایی از آن کنده شده و اختلاف سطح میان آسفالت و پله های ورودی قسمت آقایان، عبور برای سالمندان، کودکان و حتی جوان ترها دشوار کرده است. مسجد ابوالفضل فقط محل اقامه نماز نیست؛ در طول سال میزبان برنامه های فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و جهادی است و همین رفت و آمد روزانه، اهمیت ایمن بودن مسیر ورودی آن را دوچندان می کند. مریم محمدی منفرد، رئیس شورای اجتماعی محله جانباز، نسخه ای از نامه ای را نشان می دهد که حدود شش ماه پیش با امضای جمعی از اهالی برای شهرداری ارسال شده است. او می گوید: در این نامه درخواست آسفالت برخی معابر و بهسازی پیاده‌روها را مطرح کردیم، اما مهم ترین مطالبه ما اصلاح پیاده‌رو جلوی مسجد ابوالفضل است. این مسجد محل برگزاری برنامه های متعددی است و مردم در ساعت های مختلف شبانه روز به اینجا رفت و آمد دارند. او تأکید می کند که بهسازی این محدوده، یکی از مصوبات شورای اجتماعی محله نیز بوده و انتظار دارند این مطالبه هرچه زودتر به نتیجه برسد.

● زمین خوردن روی سطح ناهموار

محمدی با اشاره به روزهای برگزاری مراسم تشییع پیکر رهبر شهید می گوید: در همان ایام چند بار دیدم که مردم هنگام ورود و خروج از مسجد، پایشان در چاله ها و پستی و بلندی های آسفالت گیر کرد و زمین خوردند. این اتفاق ها و احوالگران کننده است. او ادامه می دهد: در دهه آخر صفر هم این مسجد میزبان زائران امام رضا (ع) است. علاوه بر آن، بسیاری از برنامه های فرهنگی

محله و برپایی موبک در همین محل انجام می شود. اگر این پیاده‌رو و آسفالت بهسازی شود، رفت و آمد مردم هم ایمن تر خواهد شد.

در میان گفت و گو، مرضیه دلدار، از ساکنان قدیمی محله، با عصبانی در دست، از پله های مسجد پایین می آید. هنوز چند قدم برنداشته، با اشاره به ورودی مسجد، می گوید: جوان ترها اینجا پایشان پیچ می خورد، چه برسد به ماکه سن و سالی ازمان گذشته است. هر بار که برای نماز یا مراسم به مسجد می آیم، نگرانم زمین بخورم. همین چند وقت پیش، همسایه دیوار به دیوارمان اینجا پایش پیچ خورد و هنوز خانه نشین است.

مرتضی سعادت کنار ورودی آقایان ایستاده است و به فرورفتگی کنار پله ها اشاره می کند. او می گوید: بچه ها معمولاً با عجله از پله ها پایین می آیند و متوجه این اختلاف سطح نمی شوند. چند بار دیده ام که جلو مسجد زمین خورده اند. شاید این مسیر فقط چند قدم باشد، اما همین چند قدم برای خیلی ها دردسر درست کرده است. علاوه بر این انتهای پله آخر هم آسفالت نشسته کرده و مثل چاله شده است. در مناسبت ها و مراسم که تعداد جمعیت جلو ورودی بیشتر است، حتی عابران متوجه این چاله نمی شوند و ناخودآگاه زمین می خورند.

● مرمت پیاده‌رو مسجد ابوالفضل در اولویت

رئیس ناحیه یک شهرداری منطقه ۲، در پاسخ به مطالبه مردمی درباره مرمت پیاده‌رو مقابل مسجد ابوالفضل در محله جانباز، می گوید: این درخواست به همکاران حوزه فنی و عمران شهرداری منطقه ۲ منتقل شده و در اولویت کاری این اداره قرار گرفته است.

امیر اکبرزاده در ادامه توضیح می دهد: پس از بازدید کارشناسی، در صورت فراهم بودن شرایط اجرایی، عملیات مرمت و بهسازی پیاده‌رو پیش از آغاز مراسم دهه پایانی ماه صفر انجام خواهد شد.

نهیضت آسفالت در کوچه های منطقه ۲

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۲ درباره نهیضت آسفالت در هفته گذشته در منطقه می گوید: در راستای ارتقای کیفیت معابر و پاسخ به مطالبات ساکنان منطقه ۲، عملیات آسفالت در خیابان مهدی ۲۹ و شهید فاروجی یک به متر اژ ۴ هزار و ۴۵۰ متر مربع و با مصرف ۵۹۰ تن آسفالت در حال انجام است.

امین تقضلی ادامه می دهد: عملیات آسفالت معبر توس ۳۵ و معابر فرعی خیابان شهید طاهری ۹ نیز در قالب نهیضت آسفالت و در دو مرحله انجام گرفته است. این پروژه در مجموع در مساحت ۴ هزار متر مربع از معابر خاکی و با استفاده از ۵۵۰ تن آسفالت اجرا شده است.

وی می افزاید: در سومین پروژه نیز آسفالت بولوار شفا، حدفاصل میدان بوعلی تا چهارراه عبدالمطلب، به مساحت ۹ هزار متر مربع و با مصرف هزار تن آسفالت اجرا شده است.

پایان هفدهمین رقابت های والیبال بانوان

رقابت های والیبال بانوان هفدهمین المپیاد ورزشی محلات منطقه ۲ مشهد، با حضور ۳۴ تیم در دوره سنی و به میزبانی سالن ورزشی حجاب به پایان رسید. در رده سنی کمتر از ۲۰ سال، تیم ارمان A مقام نخست را کسب کرد و تیم های مقاومت A و آکادمی طریقه دوم و سوم شدند. در رده بیشتر از ۲۱ سال نیز حامی، لوند نوین و آسمان خراسان بر سکوی اول تا سوم ایستادند.

شهر خبر

۲

فرایند پیچیده و زمان بر صدور پروانه های ساختمانی همواره یکی از دغدغه های اصلی شهروندانی است که قصد ساخت و ساز دارند. آخرین خبر های شهرداری منطقه ۲ نشان می دهد که در بهار امسال، برای کوتاه کردن این مسیر پرپیچ و خم تلاش شده است؛ تاجایی که میانگین زمان رسیدگی به پرونده ها به کمتر از یک ماه رسیده است.

شهردار منطقه ۲، با اشاره به اقدامات اداره شهرسازی این منطقه در سه ماهه نخست سال جاری می گوید: تسهیل فرایند ها، کاهش زمان انتظار شهروندان و البته شفاف سازی در مسیر صدور مجوز ها، از اولویت های اصلی مادر حوزه شهرسازی است. در همین راستا، بهار امسال موفق شدیم ۳۷۲ فقره پروانه ساختمانی صادر کنیم و به متقاضیان تحویل دهیم.

حسین بنایی منش با تشریح جزئیات این آمار می افزاید: روند صدور پروانه ها در فروردین ماه با ۱۴۱ فقره آغاز شد؛ در اردیبهشت ماه به ۱۱۹ مورد رسید و در خرداد نیز با صدور ۱۱۲ پروانه ادامه یافت. میانگین زمان رسیدگی به درخواست ها از زمان ثبت تا صدور، به کمتر از ۳۰ روز کاهش یافته است.



شهردار منطقه ۲ از صدور ۳۷۲ پروانه ساختمانی در بهار امسال می گوید

رونق بهارانه در ساخت و سازها

محمد صادق نصرتی، مربی کشتی بچه های توس
روی تشک، درس زندگی می دهد

۲

اول پهلوان بعد قهرمان



تصمیم اولم کشتی نبود

محمد صادق نصرتی، ساکن بولوار کشاورز در محله خین عرب، زمانی که فقط دوازده سال داشت، برای نخستین بار وارد سالن ورزشی شد. تصمیم اولیه اش کشتی نبود. همسایه شان که ژیمناستیک کار می کرد، او را برای ثبت نام به سالن برد، اما



کلاس ظرفیت نداشت.

همان جاذبه کنارسالن ژیمناستیک، تمرین کشتی در حال برگزاری بود و همان چند دقیقه تماشا، مسیر زندگی محمد صادق را تغییر داد. او می گوید: دیدن تمرین کشتی نوجوان های هم سن و سالم برایم جذاب بود. همان روز تصمیم گرفتم این رشته را شروع کنم و دیگر هم رهايش نکردم. البته علاقه به این ورزش در خانواده ام ریشه دارد. خانواده مادری کشتی گیر بودند و در خانواده پدری نیز جودو رواج داشت. همین باعث شد در انتخابم مصمم تر باشم.

کشتی، ورزش همه فن حریف

وقتی از او می پرسیم چرا کشتی را متفاوت می داند، پاسخ را با تعریف فنون آغاز نمی کند: از ذهن و تصمیم گیری حرف می زند. به گفته او، کشتی رشته ای است که هم قدرت می خواهد، هم تمرکز، هم هوش و هم سرعت تصمیم گیری. در کسری از ثانیه باید برای اجرای یک فن تصمیم گرفت و مثل یک شطرنج باز، چند حرکت بعدی حریف را پیش بینی کرد. نصرتی معتقد است کشتی بیش از آنکه صرفاً یک ورزش قدرتی باشد، میدان آزمون صبر و اراده است؛ ویژگی ای که به گفته او در بسیاری از نوجوانان محلات توس دیده می شود. می گوید: اکثر بچه های بولوار توس از کودکی مشغول کار می شوند تا در هزینه های زندگی کمک دست خانواده باشند. در این مسیر سختی های زیادی را تحمل می کنند و همین صبرشان را زیاد می کند.

آغاز مربیگری با حادثه ای تلخ

سال ها تمرین و حضور در مسابقات، برای محمد صادق مدال های مختلفی در رده های نونهالان، نوجوانان، جوانان و دانشجویان به همراه داشته است. او این مدال ها را مدیون استادانی می داند که سال ها در کنارشان کار کرده است. مربیانی مثل قاسم فیلابی، سعید غروی و مسعود اسماعیل نژاد.

درگذشت ناگهانی مادر، آن هم در سال های جوانی، یکی از اتفاقات تلخ زندگی نصرتی بوده است؛ اتفاقی که باعث شد دیگر نتواند مانند گذشته، ورزش قهرمانی را ادامه دهد. چند سال بعد نیز پارگی رباط صلیبی، امکان حضور در مسابقات پیشکسوتان را از او گرفت. می گوید: در همان روزها، آقای اسماعیل نژاد را دیدم و به من پیشنهاد کردند که وارد عرصه مربیگری شوم.

نصرتی از سال ۱۳۹۴ زمانی که ۲۶ سال داشت، مربیگری را در منطقه توس آغاز کرد و سه سال بعد نیز مدرک رسمی مربیگری را گرفت. ابتدا در مجموعه چدنی، سپس در آکادمی مسلم و امروز در سالن شهدای تاکسی رانی، در توس ۳۳ کشتی را به علاقه مندان آموزش می دهد.

مربیگری سخت تر از ورزشکار بودن

نصرتی معتقد است تفاوت یک ورزشکار با یک مربی، فقط در آموزش فنون نیست. او می گوید: وقتی ورزشکاری، مسئول خودت هستی؛ اما وقتی مربی می شوی، مسئول آینده همه بچه هایی هستی که روی این تشک تمرین می کنند و امیدشان برای رشد و رسیدن به قهرمانی به مربی است. همان طور که چشمش به حرکات بچه ها است، از نوجوانانی می گوید که هر کدام داستان متفاوتی دارند و تعریف می کند: بعضی از آن ها صبح زود به سر کار می روند، چند ساعت استراحت می کنند و عصر خودشان را به تمرین می رسانند. بسیاری از خانواده ها توان حمایت مالی کامل را ندارند و نوجوانان، بخشی از هزینه های زندگی یا حتی ورزش را خودشان تأمین می کنند. قهرمانی برای این بچه ها آسان به دست نمی آید؛ پشت هر مدال، ساعت ها کار، خستگی و تلاش پنهان شده است.

انتخاب های محدود برای نوجوانان توس

صحبت که به نوجوانان محلات توس می رسد، لحنش جدی تر می شود. او می گوید: از ابتدای توس تا بولوار شاهنامه، استعداد های فراوانی در کشتی وجود دارد؛ نوجوانانی که به واسطه سختی های زندگی، صبر و استقامت را زودتر از هم سالانشان یاد گرفته اند.

اما در کنار این استعدادها، نگرانی دیگری هم برای این مربی وجود دارد. او ادامه می دهد: بسیاری از نوجوانان این محلات انتخاب های محدودی پیش رو دارند و همین مسئله، نقش ورزش را پررنگ تر می کند؛ اینکه کودک و نوجوان سراغ ناهنجاری های اجتماعی

اخلاق مهم تر از مدال

در سالن شهدای تاکسی رانی، تمرین فقط به گرم کردن، فن و مهارت ختم نمی شود. آقای محمد صادق پیش از هر چیز، از بچه های محلات توس، خانواده و آینده شغلی شان فکر کنند و همان طور که به تمرین توجه دارد، گاهی یکی را کنار می کشد و از نتایج امتحانش می پرسد. یک آفرین دوباره، او را راهی تشک می کند. او می گوید: بعضی از بچه ها گفته اند حتی اگر هرگز روی سکوی قهرمانی نایستند، از توانسته اند رفاقت های ناسالم را کنار بگذارند و مسیر ورزش را انتخاب کنند، احساس پیروزی می کنند و همین جمله برایم ارزش زیادی

رفتن قهرمانان خاطره تلخ مربیان

از دوباره سخت ترین روزهای مربیگری می پرسم. انتظار دارم از شما در مسابقات یا مصدومیت شاگردانش بگویم، اما پاسخ دیگری می تلخ ترین اتفاق برای او، زمانی است که ورزشکاری با استعداد، رانیمه کاره را می کند یا از دور مسابقات قهرمانی خارج می شود. او می گوید: برای بعضی از این بچه ها سال ها برنامه ریزی بودم تا روزی پیراهن تیم ملی را بپوشند، اما ناگهان در کنار گذاشتند. یک مربی دوست دارد نتیجه سال ها زحمت را روی سکوی قهرمانی ببیند. وقتی یک استعداد از





علیرضا حمامی؛ شاگرد نصرتی در اردوی تیم ملی نونهالان سال ۱۴۰۳ در کنار آقای حسن طهماسبی سرمربی تیم ملی جمهوری اسلامی ایران



مدال طلای باشگاه‌های مشهد در سال ۱۴۰۳ کاشمر توسط سید حمید بکزاده، شاگرد نصرتی



یک مربی دوست دارد
نتیجه سال‌ها زحمتش را
روی سکوی قهرمانی ببیند. وقتی
یک استعداد از ادامه راه منصرف
می‌شود، انگار بخشی از آرزوهای
مربی هم متوقف می‌شود

اولین درس روی تشک

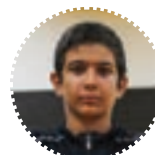
کنار دیوار سالن، چند نفر از والدین، تمرین فرزندانشان را دنبال می‌کنند. هر از گاهی صدای تشویق یا تذکر مربی، سکوت سالن را می‌شکند. روی تشک، رقابت جریان دارد، اما بیرون از تشک، هر کدام از این نوجوانان، روایت متفاوتی از مسیری دارند که آن‌ها را به این سالن رسانده است.

سیدرضا جنگ دوست، نوجوان هفده ساله محله حجت، یکی از همان ورزشکارانی است که امروز با انگیزه رسیدن به تیم ملی تمرین می‌کند. اما مسیر او از کشتی آغاز نشده است. تکواندو را تجربه کرده، مدتی ژیمناستیک کار کرده و بعد به فوتسال رفته است. هیچ کدام نتوانسته‌اند او را نگه دارند تا اینکه چهار سال پیش، همراه چند نفر از بستگانش وارد سالن شهدای تاکسی رانی شده و کشتی جذبش کرده است. او می‌گوید: هنوز یک هفته از اولین تمرینم نگذشته بود که هیجان رقابت و فضای کشتی مرا جذب کرد؛ اما دلیل ماندن فقط علاقه نبود؛ آقای نصرتی در همین یک هفته به مادرش زندگی داد و رعایت نکات اخلاقی برایش اهمیت زیادی داشت؛ همه این‌ها باعث شد که این رشته را رها نکنم.

سیدرضاتاکونون چندین مقام استانی در رده‌های نونهالان، نوجوانان و جوانان به دست آورده است. اما هنوز خودش را در ابتدای راه می‌داند و می‌گوید: نرسیدن به مقام اول، انگیزه‌ام را کم نکرده و رؤیای حضور روی سکوی جهانی والمپیک را دنبال می‌کنم. برای رسیدن به این هدف، برنامه روزانه‌اش ساده نیست. صبح‌ها پس از امتحان به محل کارش در حوزه تأسیسات و لوله‌کشی ساختمان می‌رود. عصرها تمرین می‌کند و ساعت ۴ صبح از خواب بیدار می‌شود تا درس بخواند.

مربی همیشه همراه

چند متر آن طرف‌تر، سید محمد مرتضی خادم، نوجوان سیزده ساله‌ای که هر هفته از خواجه ربیع برای تمرین به این سالن می‌آید. با دقت تمرین هم تیمی هایش را تماشا می‌کند. او می‌گوید: پدرم علاقه



زیادی به کشتی دارد و مشوقم برای ورود به این رشته بود. مادرم که سابقه قهرمانی در کاراته را دارد، پس از پرس و جو، آقای نصرتی را پیدا کرد و من و برادر کوچک‌ترم را اینجاست نام کرد. سه روز در هفته از خواجه ربیع به اینجایم آیییم؛ با اینکه راه دور است، به خاطر مربی خوبمان این راه را می‌آیییم و خوشحال هستیم. مرتضی با وجود سن کم، چند مقام استانی و باشگاهی در رده خردسالان کسب کرده و چندی پیش نیز در مسابقات دوستانه بین باشگاه‌ها روی سکوی نخست ایستاده است. او از نقش مربی‌اش در مسابقات بیشتر از هر چیز دیگری حرف می‌زند و می‌گوید: آقای نصرتی قبل از مسابقه به ما امید می‌دهد و هنگام کشتی، حریف را دقیق آنالیز می‌کند. همان نکته‌هایی که کنار تشک می‌گوید، بارها نتیجه مسابقه را به نفع من تغییر داده است. آرزویش این است که روزی پیراهن تیم ملی را بر تن کند و رسول خادم را که الگوی اخلاق و پهلوانی خود می‌داند، از نزد یک ببیند.

پهلوانی در زندگی

محمد امین اخلاقی، یکی دیگر از شاگردان این سالن، از خانواده‌ای مازندرانی است؛ خانواده‌ای که کشتی در آن ریشه دارد. از دوازده سالگی این رشته را آغاز کرد و مقام پنجم مسابقات پهلوانی کشور و عنوان نایب قهرمانی استان را کسب کرده است. او در کنار کار روزانه‌اش در حرفه صافکاری، تمرین را ادامه می‌دهد و می‌گوید مهم‌ترین دستاوردش از حضور در کشتی، کسب مدال نیست. محمد امین می‌گوید: در کشتی است که یاد می‌گیریم چطور در کنار رقابت، جوانمرد بمانیم.

این کشتی‌گیر نوجوان نیز مانند مربی‌اش، یکی از دغدغه‌های اصلی این محدوده را کمبود تجهیزات تخصصی و تعطیلی‌های مکرر سالن‌های دولتی می‌داند؛ مسأله‌ای که به اعتقادش روند آماده‌سازی ورزشکاران را مختل می‌کند. او می‌گوید: اگر حمایت از استعدادها و این منطقه بیشتر شود، قهرمانان زیادی از همین سالن راهی رقابت‌های ملی و بین‌المللی خواهند شد.



راه منصرف می‌شود. انگار بخشی از آرزوهای مربی هم متوقف می‌شود.

امکانات، کمتر از استعدادها

آقای محمد صادق از امکانات فعلی سالن رضایت نسبی دارد. وجود دو تشک مناسب، رختکن، دوش و فضای تمرین را کافی می‌داند. اما معتقد است سالن به تجهیزات تخصصی بدن‌سازی کشتی نیاز دارد. او می‌گوید: اگر امکانات بیشتر یا حتی سالن‌های بیشتر کشتی فراهم شود، ظرفیت قهرمان‌پروری این منطقه چند برابر خواهد شد؛ زیرا بسیاری از نوجوانان حتی از روستاهای اطراف برای تمرین به این سالن می‌آیند. در کنار این موضوع، تعطیلی‌های مکرر سالن‌های دولتی نیز یکی از مشکلات ورزشکاران است؛ این مسئله نظم تمرین آن‌ها را برهم می‌زند و برای ورزشکاری که سودای قهرمانی دارد، آسیب‌زا است.

با این حال، این مربی تمرینات را متوقف نمی‌کند. هر زمان سالن تعطیل باشد، با شاگردانش به باشگاه‌های دیگر، کوه یا پارک می‌رود؛ چون به اعتقاد این مربی، استمرار بخشی از مسیر قهرمانی است.

درس پهلوانی جلوتر از قهرمانی

تمرین رو به پایان است. بچه‌ها آخرین فنون را اجرا می‌کنند و دوباره دور تشک جمع می‌شوند. آقای محمد صادق مثل ابتدای کلاس، این بار هم از مدال یا مسابقه حرف نمی‌زند؛ از احترام، مسئولیت‌پذیری و آینده می‌گوید. اینکه در این مسیر ثابت قدم بمانند و از سختی‌های زندگی درس صبر و استقامت بیاموزند. او رو به تک‌تک آن‌ها می‌گوید: روی این تشک، پیش از آنکه مدالی برگردن کسی آویخته شود، مرام پهلوانی مهم است؛ درسی که شاید سال‌ها بعد از پایان دوران قهرمانی هم در زندگی شما باقی بماند.

بچه محل بولوار رضا، خاطرات کوچه‌های کودکی را مرور می‌کند

روزنامه خوانی در سلمان‌ی محله



ایستگاه اول

حمیده صفائی امیراحمد عظامنش متولد محله احمدآباد است و دوران کودکی‌اش را در دهه ۵۰ در کوچه‌های بولوار رضا گذرانده. هرچند او این روزها دیگر ساکن این محله نیست، هنوز دل درگرو خاطرات گذشته دارد و بازی‌های کودکانه‌ای که در این معابر باهم‌سن و سالانش داشته است. او هنوز هم برای مرور روزهای کودکی و احوالپرسی از اهالی قدیمی، به این بولوار سر می‌زند. عظامنش به خوبی به یاد دارد که در سال‌های دور، نام بولوار رضا «بهرامی» و بولوار ابوذر غفاری «پیرنیا» بود؛ تا اینکه حدود سال ۱۳۵۴ به نام‌های امروزی تغییر پیدا کردند.

ایستگاه دوم

تنها میوه فروشی بولوار رضا متعلق به مرحوم کریمایی ابراهیم بود که اهالی، او را به نام «کلب ابرام» می‌شناختند. هر وقت پدرم برای خرید روانه مغازه‌اش می‌کرد، سفارش می‌کرد و می‌گفت، «به آقا کلب ابرام بگو از آن میوه‌های خوب زیر پرده به ما بدهد». حالا آقا فرج، جای پدرش را پر کرده است.

ایستگاه سوم

ابتدای رضا ۲۷ به سمت داخل کوچه چهارپنج مغازه بود. آخرین مغازه، سلمان‌ی محله بود. دوران جوانی یا توقمان آنجا بود؛ می‌رفتیم روزنامه می‌خواندیم، آب می‌خوریم، بیرون می‌آمدیم. بعد که صاحب مغازه را می‌دیدیم و به شوخی می‌گفتیم آمدیم و نبودید، می‌خندید و می‌گفت: «دیدمتان آمدید، آب خوردید، روزنامه‌تان را خواندید و رفتید».

ایستگاه چهارم

ایستگاه پنجم

حاج آقا علیزاده یکی دیگر از کاسبان قدیمی و باصفای بولوار رضاست که خلق خوش اوز با نذر همه است. سال‌ها پیش که مغازه لوازم برقی راه انداخته بودم، هر زمان که در کارم باکم و کسری روبه رومی شدم، حاج آقا علیزاده وسایل مورد نیازم را فراهم می‌کرد.

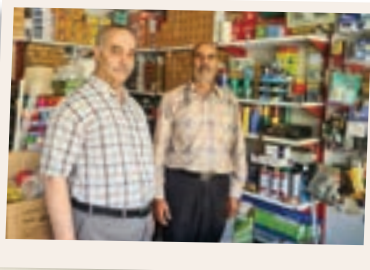
ایستگاه ششم

مرحوم حاج حسن مزینانی از چهره‌های ماندگار محله بود. او پیش از آنکه مسجد رضا ساخته شود، هنگام نماز، در محله، صدای اذان را پخش می‌کرد. مایچه‌های محله در کنار بازی، به خانه‌اش می‌رفتیم تا روخوانی قرآن را یاد بگیریم.

مصطفی مزینانی، یکی از صمیمی‌ترین دوستان و هم‌بازی دوران کودکی‌ام است. یادش به خیر، آن روزها در بولوار رضا گل‌کوچک بازی می‌کردیم. بازی که تمام می‌شد، تیرهای دروازه در خانه‌اش مانده‌اند می‌شد تا زمان بازی بعدی فرا برسد.



خانه قدیمی مان در کوچه رضا ۲۶ قرار داشت. آن خانه ویلایی قدیمی تخریب شده و جایش را به آپارتمانی نیمه‌ساز داده است. حالا دیگر از آن خانه خاطره‌انگیز چیزی باقی نمانده، جز درخت سرسبز جلو در خانه که سال‌ها پیش کاشته شده بود و هنوز هم باعث زیبایی کوچه است.



عکس: حمیده صفائی/شهرآورد

کتابخانه مسجد قبا، با یک ابتکار، آثار پرتیراژ را به دست مخاطبان رساند

نمایشگاه کتاب در دل محله فلسطین

عیدگاه

● کنجکاو شدن با عنوان کتاب‌ها

عطیه آزمونی یکی از اعضای جوان کتابخانه است که خود را برای آزمون وکالت آماده می‌کند. او که پیش از این، سابقه طولانی در استفاده از کتابخانه حرم مطهر را داشته و حدود یک سال است به این کتابخانه محلی می‌آید، می‌گوید: من در این نمایشگاه با کتاب، محدودیت صفر، آشنا شدم.

او یکی از نقاط قوت این رویداد محلی را چیدمان و انتخاب هوشمندانه کتاب‌ها می‌داند و اضافه می‌کند: وقتی عنوان‌ها مجزا، دست‌چین شده و جلو چشم باشند، ناخودآگاه اسم کتاب‌ها کنجکاو تان می‌کند. کتاب را برمی‌دارید، ورق می‌زنید و به خواندن ترغیب می‌شوید. این چینش مخاطب را جذب می‌کند.

● انگیزه برای ورق‌زدن صفحات نو

طاهره محمدزاده، بازنشسته آموزش و پرورش، یکی دیگر از اعضای فعال و پرتاثری کتابخانه است. او می‌گوید: وقتی این نمایشگاه کوچک را دیدم، متعجب شدم. این نمایشگاه با تجربه‌های قبلی من خیلی فرق داشت. نمایشگاه کتاب، داخل یک کتابخانه.

او ادامه می‌دهد: یکی از کارهای جالبی که انجام داده بودند، مشخص کردن تعداد دفعات چاپ کتاب‌ها بود. وقتی می‌بینی کتابی چندین بار تجدید چاپ شده است، یعنی مخاطبان زیادی آن را پسندیده‌اند و حتما محتوای کاربردی و جذابی دارد. همین موضوع به آدم انگیزه مضاعفی می‌دهد تا کتاب را امانت بگیرد و بخواند. اگر این کتاب‌ها مستقیم می‌رفتند داخل قفسه‌های شلوغ، لابه‌لای هزاران جلد کتاب دیگر گم می‌شدند و شاید هیچ وقت پیدایشان نمی‌کردیم.

● فراتر از انتظار

مسئول کتابخانه مسجد قبا درباره این ایده می‌گوید: این کتابخانه در هر موضوعی کتاب دارد و همه سلیقه‌ها می‌توانند از آن استفاده کنند. از نظر جمعیتی، ما ۱۴ هزار و ۶۴۹ عضو در کتابخانه داریم و ماهیانه حدود ۳ هزار و ۵۰۰ نفر به کتابخانه می‌آیند. اما فلسفه برپایی این نمایشگاه، معرفی کتاب‌های خاص و ویژه به مخاطبان بود و باید بگوییم استقبال شهروندان از نمایشگاه کتاب فراتر از انتظار ما بود.

ملیحه موحد با اشاره به شیوه انتخاب کتاب‌ها توضیح می‌دهد: قبل از برگزاری نمایشگاه کتاب تهران، از اعضای فعال کتابخانه خواستیم نیازها و کتاب‌های مورد علاقه‌شان را به ما بگویند تا برایشان خریداری کنیم. کتاب‌ها تیرماه به دستمان رسید. فصل تابستان است و اوقات فراغت بچه‌ها، فکر کردیم چه فرصتی بهتر از این؟ ایده برپایی نمایشگاه جرقه خورد و هفتاد جلد از پرتیراژترین کتاب‌ها را در معرض دید گذاشتیم.

او ادامه می‌دهد: در حالت عادی مدت امانت کتاب در کتابخانه ما یک ماهه است، اما به خاطر تقاضای زیاد برای کتاب‌های نمایشگاه، این بار دوره امانت را به یک هفته کاهش دادیم تا کتاب‌ها سریع‌تر دست به دست شوند؛ جالب است بدانید مردم برای گرفتن این کتاب‌ها ثبت نام کرده‌اند.

صفائی‌اشاید در نگاه اول عجیب به نظر برسد که در دل کتابخانه‌ای، نمایشگاه کتاب برگزار شود. عادت کرده‌ایم که نمایشگاه‌ها را در فضاها بزرگ ببینیم، اما این بار خلایق از دل محله فلسطین جوانه زده است. کتابخانه مسجد قبا با سی سال سابقه فعالیت و بیش از ۲۵ هزار جلد کتاب، از سوم تادهم مرداد، رویدادی متفاوت را رقم زده و نمایشگاهی محلی برگزار کرده که با استقبال خوب اهالی روبه‌رو شده است. پویایی این نمایشگاه کوچک را زمانی می‌فهمیم که برای تهیه گزارش به کتابخانه می‌رویم: از هفتاد جلد کتاب و ویژه‌ای که برای نمایشگاه تدارک دیده شده است، فقط پنج یا شش جلد روی میزها باقی مانده و مابقی به امانت رفته‌اند. این کتاب‌ها به چاپ‌های مجدد رسیده یا در جشنواره‌های مختلف، جوایز ادبی را دریافت کرده‌اند.



نوجوان کاراته‌کار محله نوده با تمرین و پشتکار مسیر قهرمانی و مربیگری را ادامه می‌دهد

یک گام تا کمر بند مشکی

امید محله

● در این مسیر چه کسانی همراهت بودند؟

پدر، مادر و خواهر بزرگ‌ترم همیشه کنارم بوده‌اند. وقتی در مسابقه‌ای شکست می‌خورم، می‌گویند مهم تلاش است و باید با شناخت ضعف‌ها و تمرین بیشتر به هدفم برسم.

● چه برنامه‌ای برای آینده ورزشی‌ات داری؟

آرزوی من کسب مدال برای کشورم است. در کنار آن دوست دارم مربی کاراته شوم، چون آموزش به بچه‌ها و نوجوانان را خیلی دوست دارم. از آنجاکه نوه بزرگ خانواده هستم، همیشه بچه‌ها را کنارم جمع می‌کنم و تکنیک‌هایی را که یاد گرفته‌ام به آن‌ها آموزش می‌دهم.

● الگوی تو در این رشته چه کسی است؟

خانم سمیه سنایی، مربی ام، پشتکار، اخلاق، صبر، احترام و گذشت ایشان برایم درس بزرگی بوده و همیشه سعی می‌کنم این ویژگی‌ها را در زندگی و ورزشم رعایت کنم.

● به جز ورزش فعالیت دیگری هم داری؟

مدیر طراحی چهره دارم. همیشه دیدن پرتزهای سیاه‌قلم در گالری‌ها برایم جذاب بود و سال گذشته این علاقه را هم دنبال کردم. علاوه بر آن، به تازگی دوره‌های عکاسی را شروع کرده‌ام و دوست دارم در آینده در این حوزه هم فعالیت کنم و درآمد داشته باشم.

● چند جمله به دوستان هم‌سن و سالت بگو؟

به همه نوجوانان پیشنهاد می‌کنم سراغ ورزشی یا هنر مورد علاقه‌شان بروند. یاد گرفتن یک مهارت، هم آرامش و سلامتی می‌آورد و هم می‌تواند در آینده مسیر زندگی و شغلشان را تغییر دهد.

در همین وزن اول شدم. بعد از آن به مسابقات کشوری سبک شیتوریو شوکوکای همدان اعزام شدم. در آن رقابت‌ها در وزن منفی ۴۸ کیلوگرم و بخش کمیته موفق شدم مدال نقره کشور را به دست بیاورم.

● خاطره‌ای از مسابقات داری؟

همه مسابقات برایم خاطره‌انگیز هستند، اما اولین مسابقه‌ام در قوچان را هیچ وقت فراموش نمی‌کنم. فقط سه ماه از شروع تمریناتم گذشته بود و استرس زیادی داشتم. اما توانستم مدال طلا بگیرم. مربی‌ام از کنار زمین مدام تشویق می‌کرد و به من اعتماد می‌داد که می‌توانم حریفم را شکست بدهم.



صدرا فریادهای تشویق تماشاچیان، فضای سالن ورزشی مسجد الرسول (ص) را پر کرده است. بین تمرین بچه‌ها، مانده سلمانی هفده ساله با تمرکز زیاد ضربه‌هایش را یکی پس از دیگری اجرا می‌کند. او فقط دو سال است که کاراته را آغاز کرده، اما همین زمان کوتاه برایش کافی بوده تا چند مدال ارزشمند استانی و کشوری در سبک شیتوریو به دست آورد و حالا تنها یک گام تا دریافت کمر بند مشکی فاصله دارد.

● از کی کاراته را شروع کردی؟

دو سال است که در سالن ورزشی مسجد الرسول (ص) کاراته را شروع کرده‌ام. قبل از آن چند سال ژیمناستیک کار می‌کردم و همان آمادگی بدنی باعث شد بتوانم در کاراته هم پیشرفت خوبی داشته باشم.

● چرا انتخابت این رشته بود؟

از کودکی به مبارزه علاقه داشتم و دوست داشتم بتوانم در مواقع لازم از خودم دفاع کنم. کاراته باعث شده است اعتماد به نفسم بیشتر شود. آرامش داشته باشم و با انگیزه بیشتری درس بخوانم.

● چه مدال‌هایی کسب کرده‌ای؟

سال ۱۴۰۳ در مسابقات استانی قوچان و در وزن منفی ۴۷ کیلوگرم، رده سنی نوجوانان، مدال طلا گرفتم. سال ۱۴۰۴ هم در مسابقات استانی انتخابی کشوری که در مشهد برگزار شد، دوباره

زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، اینارگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمرقند، آیت... عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

۱ احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب الزمان^(عج)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر



دوشنبه گذشته با کمک خیران توانستیم در دفتر توسعه و تسهیلگری محلات حجت، خین عرب و قدس، کتابخانه‌ای برای کودکان و نوجوانان با چهارصد جلد کتاب راه اندازی کنیم. این کتابخانه به همت خیرانی راه اندازی شده که در طرح پویش نذرکتاب «مهر سارا» شرکت کرده بودند.

تصویر و متن از غزاله خلیلی، مدیر دفتر توسعه و تسهیلگری



مراسم قرائت دعای توسل و زیارت عاشورا و برپایی سفره صلوات، همراه با توزیع آش و حلیم، به همت تشکل‌های بانوان محلات توس در بوستان شهربانوی پردیس قائم^(عج) برگزار شد. این برنامه معنوی در راستای ترویج فرهنگ دینی و فعالیت‌های اجتماعی بانوان انجام گرفت.

تصویر و متن از افسانه فولادی، فعال فرهنگی بوستان شهربانوی پردیس قائم^(عج)

محله به روایت شما



هفته گذشته همراه جمعی از اهالی محله نوده، محدوده مهدی آباد و هیئت شجاعات الحسینی پیاده روی اربعین را شروع کردیم تا عشق و ارادت خود را به حضرت ابا عبد... الحسین^(ع) نشان دهیم. با دردست داشتن پرچم و بیرق مزین به نام امام حسین^(ع)، در مسیر کربلا حضور یافتیم تا بار دیگر با آرمان‌های نهضت عاشورا تجدید عهد کنیم.

تصویر و متن از محسن رضایی، فعال هیئت شجاعات الحسینی



هیئت تعزیه خوان‌های «متوسلین به ائمه اطهار^(ع)» محله ما با برگزاری مجلس تعزیه خوانی، یاد و خاطره شهیدای انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را گرامی داشت. این مراسم با سرپرستی استاد پیشکسوت تعزیه، کربلایی محمد هادی شرقی، برگزار شد.

تصویر و متن از محمد حسین محمد دوست، فعال فرهنگی محله آیت... عبادی



مراسم گرامیداشت یاد رهبی شهید انقلاب و خانواده ایشان و شهدای جنگ تحمیلی سوم راه همت پنج خانواده شهید محله فرامرز عباسی و یاپگاه بسیج فاطمیه مسجد عمار و یاسر دوشنبه هفته گذشته برگزار کردیم. اجرای سرود توسط دختران محله و نمایش با موضوع ایثار و مقاومت از بخش‌های ویژه این برنامه بود که مورد استقبال حاضران قرار گرفت.

تصویر و متن از شمس خسروی، همسر شهید هاشم ساجدی و از برگزارکنندگان برنامه